

خطیب نامدار آیت الله میرزا محمد تقی اشراقی

میرزا محمد تقی اشراقی

ولادت

فقیه، مفسر شهیر و واعظ نامدار و
پرواژه قم، آیه الله میرزا محمد تقی
اشراقی، از مشهورترین خطبای شیعه
در دوران معاصر است که در سال
۱۳۱۳ ق، در بیت علم و تقوا و فضیلت
در شهر مذهبی قم متولد شد. پدر
بزرگوارش فقیه عالی مقام مرحوم
آیه الله میرزا محمد قمی مشهور به
«اریاب» (متوفای ۱۳۴۱ ق) یکی از
درخشانترین چهره‌های علمی و از
مستفدترین روحانیان قم و از
برجسته‌ترین شاگردان مرحوم آیه الله
میرزا حبیب الله رشتی (متوفای ۱۳۲۱

ق) است که در تأسیس دانشگاه
جعفری و ماندن آیه الله حاج شیخ
عبدالکریم حائری یزدی در شهر قم
سهام به سزایی داشته است. شرح
حیات علمی و خدمات والای آن
مرحوم در کتب تراجم و رجال به
تفصیل آمده است.^۱

۱. شرح حال آیه الله میرزا محمد قمی مشهور
به اریاب در منابع ذیل آمده است: ریحانة الادب،
مدرس خیابانی، ج ۴، ص ۴۸۹؛ فوائد الرضویة،
محدث قمی، ج ۲، ص ۶۰۲؛ آثار الحجّة، محمد
شریف رازی، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ستارگان حرم،
گروهی از نویسندگان ماهنامه کسوتر، ج ۹،
ص ۲۵-۹؛ مجله نور علم، نشریه جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم، دوره دوم، سال ۴، ص ۸۲

تحصیلات

میرزا محمد تقی در مهد تربیت دینی چنین پدری فرزانه و عالم رشد کرد و درجاتی از علم و معنویت را کسب نمود و علوم دینی و سطوح متوسطه و عالی حوزه را از محضر پدر دانشمندش و سایر فرزانش نامدار علمی همانند آیات بزرگوار: میرزا ابوالقاسم کبیر قمی و سید میرزا آقا ترابی دامغانی به خوبی آموخت تا اینکه در سلک شاگردان مبرز و برجسته آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم (متوفای ۱۳۵۵ ق) درآمد و عمده تحصیلات فقه و اصول خود را از محضر نورانی آن عالم فرزانه آموخت. درخشش علمی آن بزرگوار به گونه ای بود که وی از برجسته ترین شاگردان مرحوم حائری به شمار می رفت و با کوشش و همت والای خویش به درجه رفیع اجتهاد نایل گردید. مرحوم اشراقی در کنار تحصیل، به تدریس و تربیت شاگردان ارزشمند اشتغال داشت.

شاگردان

علامه اشراقی در طول حیات با

برکت خود، از زمان مرحوم آیه الله حائری یزدی فقه، اصول، حکمت و فلسفه، تفسیر و فن مجادله و خطابه را به گروهی از طلاب و فضلا تدریس می فرمود و محل تدریس آن بزرگوار حجره کنار مقبره شیخ فضل الله نوری واقع در صحن بزرگ حرم حضرت معصومه علیها السلام بود.

او توانست دانشمندان و شاگردان ارزشمندی را در دامن پر عطوفت خویش پرورش داده، تحویل جامعه اسلامی دهد. نام تنی چند از شاگردان آن بزرگوار عبارت است از:
آیات و حجج اسلام:

۱. حاج شیخ شهاب الدین اشراقی رحمته الله علیه فرزند معظم له و داماد محترم حضرت امام راحل رحمته الله علیه؛
۲. حاج شیخ سعید اشراقی رحمته الله علیه برادر معظم له؛
۳. حاج شیخ صادق احسان بخش رحمته الله علیه؛
۴. حاج سید محمد علی صدرایی اشکوری رحمته الله علیه؛
۵. حاج شیخ زین العابدین قربانی؛

برای دفاع همه جانبه از حریم مقدس اسلام، قرآن و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دفاع می‌کرد و در اظهار حقایق و ابطال و افشای مظالم و رذایل بی باک و جسور بود و از هیچ مقام و مسئولی بیم و هراسی نداشت و با کمال شهامت نقاط ضعف و علل بدبختی امت را یادآوری می‌نمود و در همین راه جان شیرین خود را فدای حق گویی کرد. او در بیداری افکار توده‌های مردم در مقاطع خاص زمانی خود نقش مؤثر و بسزایی داشت. درباره منابر و قدرت بیان آن واعظ پر آوازه و مشهور نقل می‌کنند.

«مرحوم علامه اشراقی در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب، در چند قرن اخیر بی نظیر بوده و علم خود را به زیور حلم، وقار و حسن اخلاق آراسته و در این فضایل، گوی سبقت را از بسیاری از معاصران خود ربوده بود. مهارت عجیبی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را ادا می‌کرد و داد سخن می‌داد و از معضله‌های اجتماعی و سیاسی پرده بر می‌داشت. از آن بزرگ مرد تعبیر به

۶. حاج سید مصطفی برقی قمی علیه السلام؛

۷. حاج سید هادی خسروشاهی؛

۸. حاج سید مجتبی رودباری؛

حاج شیخ حسن حجتی واعظ گیلانی؛

۱۰. حاج شیخ میرزا محمد باقر

همدانی؛

۱۱. حاج شیخ فضل الله سعادت

رشتی؛

۱۲. حاج شیخ جعفر شجونی

واعظ؛

۱۳. حاج سید محمد آل طه واعظ

قم؛

۱۴. حاج شیخ محمد مهدی تاج

لنگرودی واعظ.

بیان سحرانگیز

مرحوم اشراقی از دو نعمت بزرگ الهی، یعنی نیروی حافظه و هوش فوق العاده و نیز قدرت بیان سحر آسا بهره‌مند بود و آن دو را در راه خدمت به اسلام و نشر معارف قرآنی و ترویج معارف علوی و غنا بخشیدن به فرهنگ اسلامی به کار می‌گرفت. آنهایی که وی را از نزدیک دیده‌اند، همگی معترف اند که او با شمشیر بیان

شهامت در گفتار و عمل به دانسته‌ها سرآمد و منحصر به فرد بود.

۴. خوش محضر، خوش رفتار، خوش لباس و نظیف و پاکیزه بود و آراستگی ظاهری و باطنی او زبانزد عام و خاص بود.

۵. در امر به معروف و نهی از منکر جدی و قاطع بود و در اظهار حقایق و افشای مظالم بی باک و جسور بود و از هیچ قدرت و مقامی هراس نداشت. سخنان اشراقی در مدرسه فیضیه که می‌گفت: «ای شاه! پارلمانت هم خراب است.» هنوز هم در اذهان عمومی باقی است.

۶. در فن نویسندگی و توانایی قلم زدن و شیوایی همانند سخنرانی کم نظیر بود.^۲

خلاصه آنکه مرحوم اشراقی دارای کمالاتی چون: تقوا و خداترسی، علم، عمل، ابتکار نوین در

۱. آسار الحجة، محمد شریف رازی، ج ۱، ص ۱۳۵، با تلخیص و دخل و تصرف.

۲. ویژگیهای مرحوم اشراقی به تفصیل در کتاب «خورشید درخشان شمال»، شرح زندگانی حاج شیخ حسن حجتی گیلانی، تألیف نگارنده ص ۷۲-۷۹ آمده است.

«خدای سخن» می‌کردند، نیروی بیان ایشان تا این اندازه بود که چندین شب در حول محور بحث «ولا یجوز الابدعاء بالنکرة» و نیز «الاسم منه معرب و مبنی» صحبت می‌کرد و از این دو بیت نحوی، استفاده مطالب اجتماعی، سیاسی و اخلاقی می‌نمود به گونه‌ای که همه شنوندگان را حیران می‌کرد. ایشان دهها شب از موضوع فقهی انقلاب که از مطهرات است، استفاده نموده، از دستگاه سیاسی و سیاستمداران وطن فروش انتقاد می‌کرد. تقریرات منبری ایشان مایه افتخار دارندگان آن است.^۱

ویژگیهای ممتاز

مرحوم علامه اشراقی واعظ دارای صفات، کمالات و ویژگیهای منحصر به فردی بودند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. وی در علوم فقهی، اصولی، حکمت و تفسیر مردی ممتاز و صاحب نظر بود.

۲. در فن سخنوری و خطابه کم نظیر بود.

۳. از لحاظ شجاعت، جسارت و

سخنوری، خوش خلقی، مهمان نوازی، تواضع، شجاعت و رک گوئی، بهره جستن از کتاب و سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام و احساسات و حرارت‌های مذهبی بود و مبارزات بی‌امان و خداپسندانه با منکرات و آگاه نمودن اقشار جامعه از اهداف و توطئه‌های شوم استعمار و ایادی وابسته به آنها از فعالیت‌های مداوم او بود. سخنانش در قلب و روح خواص و عوام اثر می‌گذاشت. یکی از سخنرانی‌های پر فایده او در مجموعه گفتار و عاظ آمده است.^۱

تشویق خطبای جوان

آیه الله میرزا محمد باقر همدانی از علمای محترم قم درباره اوصاف ویژه مرحوم اشراقی می‌گوید: «او گاهی در مدرسه فیضیه و یا مسجد امام قم می‌نشست و یکی از شاگردان جوان خود را به منبر می‌فرستاد و آنان در حضور وی سخنرانی می‌کردند و بدین وسیله، استعداد گویندگی آنان را با تشویق‌های مکررش شکوفا می‌ساخت.»^۲

یکی از شاگردان آن بزرگوار در

این باره می‌گوید:

«استادمان مرحوم اشراقی در محافل کوناگون، شاگردان ممتاز و با استعداد خود نظیر مرحوم حاج شیخ حسن حجتی و صدرایی اشکوری و... را با خود می‌برد و در بالای منبرها به مردم معرفی می‌کرد و متواضعانه در پای منابر آنان می‌نشست و از اینکه توانسته چنین شاگردانی را تربیت نماید، مباهات می‌کرد. روزی وی، مرحوم حجتی و اعظ را در مدرسه فیضیه بالای منبر فرستاد و او هم انصافاً منبر بسیار جالبی را تحویل داد و آن گاه این شخصیت با عظمت علمی با همه تواضع و وقارش به عرشه منبر رفت و در تشویق شاگردش فرمود: «آقای حجّتی^۳، آئینه تمام نمای من

۱. گفتار و عاظ یا مجموعه سخنرانی‌های جمعی از دانشمندان و وعاظ مشهور ایران، محمد مهدی تاج لنگرودی و اعظ، ج ۱، ص ۴۷.

۲. مصاحبه نگارنده با معظم له.

۳. آقای حجّتی با اینکه در موقع مرگش ۳۲ سال بیشتر نداشت و تقریباً ده سال بعد از مرگ استادش در سال ۱۳۳۸ ش در سانحه تصادف رحلت کرد، از مهم‌ترین و مشهورترین خطیبان استان گیلان بود. او هر ساله در شب ۲۵ رمضان سالگرد رحلت استاد، مجلس با شکوهی در

با روحانیت و ممنوعیت لباس و تنگناهایی که دیگران به وجود آوردند، باعث تأثر شدید مؤسس حوزه علمیه قم گردیده بود؛ ولی رؤیای صادقه مرحوم اشراقی بارقه امید در آن مرد الهی ایجاد نمود که داستان آن بسیار شنیدنی است:

«مرحوم آقای اشراقی در یکی از سخنرانیهایش در مدرسه فیضیه می گفت که یک شب در عالم رؤیا دیدم، وارد مدرسه فیضیه شدم. در حیاط مدرسه فیضیه طلاب زیادی صف کشیده بودند و این صف تا مدرسه دارالشفاء هم ادامه پیدا کرده بود. کمی جلوتر و در سمت مدرسه باقریه که قبلاً وجود داشت، سه نفر دیگر را دیدم که یکی از آنها ایستاده بود و دو نفر دیگر کار می کردند. پیش طلبه ها رفتم و پرسیدم اینجا چه خبر

رشت منعقد می ساخت و یاد و خاطره استاد را بدین وسیله گرامی می داشت.

۱. مصاحبه نگارنده با حضرت حجة الاسلام المسلمین حاج شیخ محمد ابراهیم کیلانی واعظ، مقیم رشت.

۲. خورشید درخشان شمال، تألیف نگارنده، ص ۱۶۷.

است.» او به شاگردانش عشق می ورزید و در مقابل، شاگردانش او را دوست می داشتند و هیچ گاه یاد و خاطره او را از یادها نبردند.^۱

واعظ فضلاء و مجتهدین

مرحوم اشراقی در مدرسه فیضیه و یا مسجد بالا سر حرم مطهر وقتی منبر می رفتند، بسیاری از علما و بزرگان به ویژه آیات عظام: حائری، حجت، خوانساری، صدر و بروجردی مقید بودند که پای منابر وی بنشینند و از بیانات سودمند و سحرآمیز وی بهره ببرند.

حجة الاسلام و المسلمین آقای تاج لنگرودی واعظ در این باره می نویسد:

«... همان اشراقی واعظی که وقتی در مدرسه فیضیه بر کرسی خطابه قرار می گرفت، حدود چهار هزار طلبه و مجتهد حضور داشتند و حتی مرحوم آیه الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی مقید بودند به منبر و سخنرانی مرحوم اشراقی گوش فرا دهند.»^۲

بارقه امید یا رؤیای صادقه

شدت عمل رضاخان در برخورد

کهن و ریشه دار روحانیت را از بین می بردند، ولی از سوی دیگر مرحوم حاج شیخ، نهالهای تازه‌ای را در سرزمین حاصلخیز قم می کاشت و پرورش می داد و تربیت می کرد تا جای آن علما و بزرگان هیچ گاه خالی نماند، یکی از تربیت یافتگان گلستان سرسبز مرحوم حاج شیخ، حضرت امام خمینی علیه السلام بود که با اقتدار کامل طومار ظلم و ستم را در هم پیچید و نظام مقدس اسلامی به رهبری ولایت مطلقه فقیه را پایه گذاری کرد که ان شاء الله تا ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام تداوم داشته باشد.

سخنرانیهای سیاسی

مرحوم اشراقی عالمی زمان شناس بود و با اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران خود آشنایی کامل داشت و به مناسبتهای مختلف به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی می پرداخت و از مجلس و دولت انتقاد می کرد.^۲

است؟ گفتند: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تشریف آورده و در آنجا ایستاده‌اند. من دستهایم را داخل آستین عبایم کرده، به طرف حضرت رفتم. موقعی که خدمتشان رسیدم، پرسیدم: چه کار دارید انجام می دهید؟ فرمود: مقداری تخم گل آورده‌ام و مشغول کاشتن آنها در این باغ هستم. بعد از اینکه کار حضرت تمام شد، همراه ایشان به طرف حجره‌های متصل به کتابخانه در جنوب مدرسه حرکت کردیم و وارد حجره دوم یا سوم شدیم. سپس حضرت امیر علیه السلام از عسلی که همراه داشت، به ماداد که من مقداری از آن تناول کردم. مرحوم اشراقی می گفت: بعد از بیدار شدن از خواب، خدمت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم رسیدم و آنچه را در خواب دیده بودم، برای ایشان تعریف کردم که ایشان خیلی متأثر شد و گریه کرد و فرمود: امیدوارم به خواست خدا، پرورش دهنده آن گلها و شکوفا کننده آنها من باشم.^۱

آری دشمنان استعمارگر با نقشه‌های شیطانی اگر چه درختهای

۱. نقل از: خاطرات آیه الله صابری همدانی،

تدوین سید مصطفی صادقی، ص ۳۵.

۲. در این زمینه، ر.ک: خاطرات حجة الاسلام

بلاغت و فصاحت

حجة الاسلام و المسلمین حاج
سید محمد آل طه، واعظ معروف قم
می گوید:

«مرحوم اشراقی در فن سخنوری و
از لحاظ بلاغت و فصاحت و شیوایی
سخن یگانه دوران بود. او در تطبیق
آیات قرآن کریم با موضوعات مختلف
مهارت فوق العاده ای داشت. یاد می آید
که مرحوم استاد الفقهاء آیه الله آقا ضیاء
الدین عراقی رحلت نمودند و مجلس
ختمی را مرحوم آیه الله العظمی
بروجردی در قم و در مدرسه فیضیه
منعقد ساخت که سخنران آن مجلس با
شکوه علامه اشراقی بود. وی اوصاف و
کمالات علمی و اخلاقی و معنوی آیه الله
آقا ضیاء عراقی را با آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي
جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً﴾^۱ تطبیق کرد و از
آنجایی که مفسر زبردستی بود، مطالب
بسیار ارزنده ای را ارائه نمود که مایه
اعجاب و تحسین همگان گردید و از
این گونه موارد در سخنان آن بزرگوار
به وفور یافت می شود.»^۲

علاقه وافر شاگردان به او

همه شاگردان و تربیت یافتگان

مکتب علمی آن بزرگوار، به استاد و
مراد خود عشق می ورزیدند. یکی از
عاشقان واقعی آن مرحوم، خطیب
نامدار حاج شیخ حسن حجتی گیلانی
بود که عشق و علاقه خاصی به مرحوم
میرزا محمدتقی اشراقی داشت.
حجة الاسلام و المسلمین آقای تاج
لنگرودی می نویسد:

«حجتی آن چنان طالب کمالات و
فضل و معلومات استادش بود که مرگ
ناگهانی او در روحیه این شاگرد
باوفایش خیلی اثر غم انگیزی داشت و
حتی شبی در یکی از روستاهای
اطراف شهرستان لنگرود محفل
دوستانه ای برقرار بود و یکی از آقایان
اهل منبر با لحن مرحوم اشراقی این
شعر حافظ را خواند:

سحر بلبل شکایت با صبا کرد

که بوی عشق گل با ما چه ها کرد

من از بیگانگان هرگز ننالم

که با من هر چه کرد آن آشنا کرد

جعفر شجونی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

ص ۲۹.

۱. یونس / ۵.

۲. مصاحبه نگارنده با معظم له.

رفت و در آنجا سخنرانی شورانگیزی نمود که همه افراد و جمعیت به شدت متأثر شدند و گریه فراوانی نمودند که به برکت آن نماز و آن گریه‌ها خداوند رحمت خود را بر مردم قم و اطراف آن نازل فرمود.^۲

آثار

از مرحوم اشراقی آثار مطبوع و غیر مطبوع فراوانی به یادگار مانده است که در این میان، «تفسیر سوره یوسف»، «تفسیر سوره اعلی» و «تفسیر سوره ن و القلم» به زیور طبع آراسته شده است.

علامه اشراقی از منظر دیگران

۱. فرزند برومندش آیه‌الله حاج آقا شهاب الدین اشراقی رحمته‌الله داماد امام راحل رحمته‌الله در فقدان و معرفی پدر بزرگوارش این گونه می‌نویسد:

«از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران افزون

۱. خورشید درخشان شمال، تألیف نگارنده، ص ۱۶۸. ضمناً شمه‌ای از شرح حال و خدمات حجتی واعظ در مجله مبلغان، شماره ۴۱، آمده است.

۲. مصاحبه نگارنده با حضرت آیه‌الله فیض گیلانی (دامت برکاته).

مرحوم حجتی که حضور داشت، آن چنان گریست که سرانجام بی هوش شد و به زحمت او را به هوش آوردند.^۱

سخنان شور انگیز

حضرت آیه‌الله فیض گیلانی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می‌گوید:

«خشکسالی چند سالی بود که مردم قم و اطراف آن را رنج می‌داد تا اینکه مردم از آیه‌الله حاج سید محمد تقی خوانساری که یکی از مراجع بزرگ حوزه قم بود، درخواست نمودند تا نماز باران بخواند. آن بزرگوار اعلان آمادگی کرد و بعد از فراهم شدن مقدمات آن، که شامل سه روز روزه گرفتن بود، در روز موعود به همراه جمعیت زیادی برای برگزاری نماز، به خارج شهر قم و به طرف خیابان خاکفرج رفتند و در محل فعلی قبرستان بزرگ وادی السلام قم که در آن زمان در خارج قم قرار داشت و از زمینهای کشاورزی اطراف قم به شمار می‌آمد، نماز باران را برگزار کردند. بعد از اقامه نماز، مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی به دعوت آن مرحوم به منبر

به گاه نطق شدش چون به عرش منبر جای
ز عرش، خیل ملک می شدی به بشنیدن
قیافه متین و موقر علامه فقید که
همیشه با فروتنی توأم بود، همه کسانی را
که به او نزدیک می شدند، شیدا و فریفته
می ساخت. جلسات خصوصی آن
مرحوم هیچ گاه خالی از فایده نبود.^۲

حجة الاسلام و المسلمین حاج
شیخ محمد باقر ملبوبی درباره آن
مرحوم می نویسد:

«مرحوم اشراقی از گویندگانی بود
با سرمایه علمی و درجات اخلاقی
فردی نمونه، و عنصری صریح، با
شهامت، فداکار، شعاع، بی تملق،
متواضع، باوقار، خادم، مستقیم، محکم،
مروّج، بی پروا در سخن گفتن، غیر قابل
نفوذ، آزاد منش، منظم، خوش سلیقه،
مبارز، شیر دل، روشن دل، پاک سرشت
و به طور کلی نمودار اخلاقی عالی اسلام
به شمار می رفت. هرگز تن به زیر بار پول
و مقام نمی داد. از مقامات مادی حساب

مرحوم علامه اشراقی، پدر
بزرگوارم، با آن حنجره دلنشین و آن
لطافت طبع و قریحه سرشار و افکار
تازه، حقیقتاً نمونه بود که وجودش
فریاد «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ
تَقْوِيمٍ»^۱ می زند. باید اذعان کرد که
عنایت الهی و اشراقات خاصه او،
اشراقی را تربیت نمود.

حجة الاسلام و المسلمین مرحوم
حاج شیخ حسن حجتی گیلانی در ذیل
مقاله «امیر ملک سخن» این گونه
می نویسد:

«شرح فوق، تراوشی است از
احساسات یک فرزند قدرشناس که
پدری ارجمند را از دست داده. مرحوم
حجة الاسلام اشراقی چون نوری تابان،
ستارگان علم و دانش را با جاذبه بیان،
ضمیر پاک و فضیلت بی نهایت خود در
جلسه پر فیض تفسیر و حکمت و اصول
به گرد خویش جمع می کرد و معنویتی
بس ارزنده به حوزه علمیه قم می داد و
گاه گاهی که به قصد ارشاد عامه به منبر
تشریف می برد، خواص را نیز به بهت و
حیرت می افکند.

۱. تین / ۴.

۲. مجله در راه حق، حسن حجتی گیلانی،
ش ۱۲ و ۱۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۳۷، چاپ
رشت.

وی همانند پدر بزرگوارش عمر کوتاهی داشت و در سال ۱۴۰۲ ق رحلت کرد و در مسجد بسالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.^۲

قریحة سرشار

مرحوم علامه اشراقی دارای طبع روان و ذوق فراوان بودند و از رشحات ذوق و فکر ایشان قطعه ادبی ذیل است که به نظم درآورده‌اند:

از زندگی خویش پشیمانم
 زیرا که بمردگان همی مانم
 رازی است در درون این گیتی
 کش من بسی خرنده و خواهانم
 لیکن به گور جهل همی اندر
 بگرفته مار و مور گریبانم
 جهلی که زایدم همگی حیرت
 در سر خلقت است زرحمانم
 بی دانشی من ز دانشهاست
 کز این دانشها چو سلیمانم
 صرف و سنجشی و نحو و فقه
 عرفان و فلسفه همه همی دانم

نمی‌برد. با کمال شهامت نقاط ضعف و علل بدبختی جمعیت را یادآوری می‌نمود و در همین راه علم، جان خود را فدای حق گویی کرد.^۱

باقیات الصالحات

مهم‌ترین یادگار ارزنده آن خطیب بزرگ، فرزند برومندش مرحوم آیه الله حاج آقا شهاب الدین اشراقی است که در سال ۱۳۴۲ ق متولد گردید. او دوران تحصیلات خود را در نزد والد بزرگوارش و آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و دیگران به پایان رسانید و به درجه اجتهاد نایل گردید. وی در فقه و تفسیر و فلسفه، دانشمندی فرزانه و صاحب نظر بود. او داماد و امین و نماینده تام الاختیار حضرت امام خمینی علیه السلام در طول نهضت اسلامی بود و از فعالان سیاسی به شمار می‌آمد. وی تألیفات ارزنده‌ای دارد که عبارت اند از: ۱. تفسیر سخن حق در ۲۰ جلد که ۵ جلد آن به چاپ رسیده است؛ ۲. چهره‌های درخشان در تفسیر آیه تطهیر؛ ۳. پاسداران وحی، که این دو کتاب اخیر را با همکاری حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی علیه السلام نوشته است.

۱. الوقایع والحوادث، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۰۴، با تلخیص.

۲. ر.ک: ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان ماهنامه کوثر، ج ۹، ص ۲۲.

خوش محضر، خوش رفتار،
خوش لباس و نظیف و پاکیزه
بود و آراستگی ظاهری و
باطنی او زبانزد عام و خاص
بود

آرامگاه ابدی در مسجد بالا سر حرم
حضرت معصومه علیها السلام و در جوار قبر
استادش، مرحوم آیه الله حائری به خاک
سپردند. عاش سعیداً و مات حمیداً.^۱

۱. شرح حال این استاد فرزانه در منابع ذیل آمده
است:

گنجینه دانشمندان، شریف رازی، ج ۲، ص ۳۳۷
آئینه دانشوران، ریحان یزدی، با تحقیق محقق
فرزانه ناصر باقری بید هندی، ص ۱۹۵ - ۱۹۷؛
آثار الحجّة، شریف رازی، ج ۱، ص ۱۳۵ و ج ۲،
ص ۱۳۹؛ الوقایع والحوادث، ملبوبی، ج ۱،
صص ۳۰۴ - ۳۰۰؛ تربت پاکان قم، جواهری،
ج ۲۳، ص ۱۴۴۳؛ ستارگان حرم، گروهی از
نویسندگان ماهنامه کوثر، ج ۹، ص ۲۲ و ج ۱۸،
صص ۹ - ۳۰؛ خورشید درخشان شمال،
نگارنده، صص ۷۲ - ۷۹؛ مجله راه حق، ش ۱۲ و
۱۳، سال ۱۳۳۷ ش؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۲،
ص ۲۴۵؛ رجال قم، ص ۱۴۸؛ مجله نور علم، ش
۱۶ (تیر ۱۳۶۵) و کتاب خاطرات آقایان فلسفی،
صابری همدانی، شجونی و دهها مجله و نشریه
دینی.

گاهی لطیف و پاک فرشته وار
گاهی پلید و پست چون حیوانم
گاهی چو تار سست بود عهدم
گاهی چو کوه سخت به پیمانم
غروب غم انگیز

مرحوم اشراقی در سال ۱۳۶۸ ق
برابر با ۱۳۲۸ ش که طبق دعوت قبلی
برای بهره دادن به مردم تهران در ماه
مبارک رمضان در مدرسه صدر و مسجد
سلطانی و مسجد اردبیلیها حضور یافته
بود، پس از بیانات بلیغی که هزاران نفر
مردم مشتاق پایتخت را از علما و فضلا و
سایر طبقات دیگر از اول ماه تا روز
بیست و چهارم به فیض رسانده بود،
مبتلا به سگته قلبی شد و همان شب
قلبس کسه در راه احساسات دینی و
حرارت‌های مذهبی و مبارزات
خداپسندانه خود با منکرات و جنایتهای
ستمگران و خائنین به دین و مملکت به
کار می‌گرفت، پس از ۵۵ سال زحمت و
فداکاری برای همیشه خاموش گردید.

این مصیبت ناگوار و ناگهانی برای
مردم تهران، قم و همه مردم ایران
بسیار گران بود. از این رو، با شوکت
فراوان جنازه را تا قم تشییع کردند و در